

حرفه هنرمند ۳۷
نشریه هنرهای تصویری
تابستان ۱۳۹۰



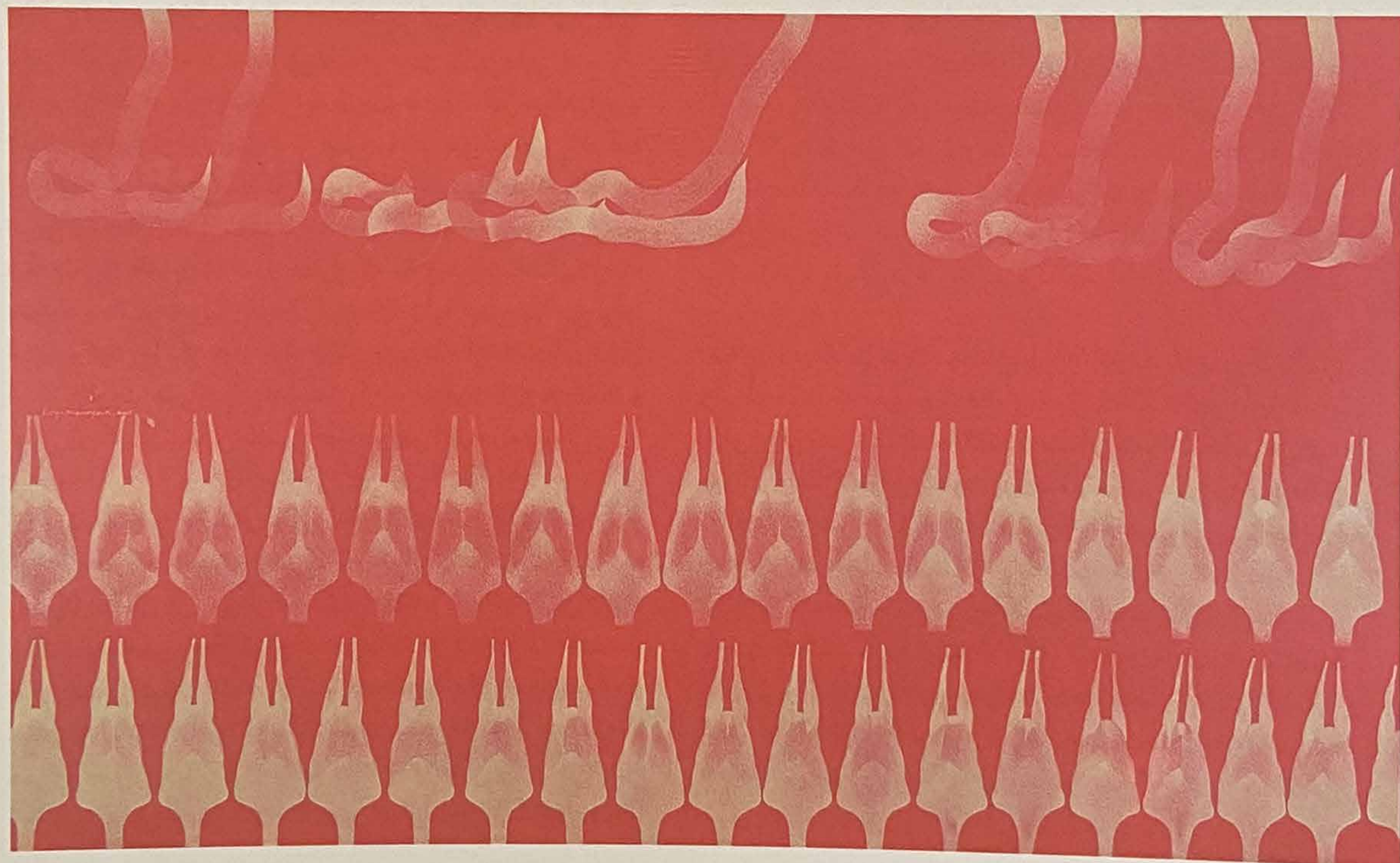
۷۰۰۰ تومان

در بحث پیشنهادی تغییر نسل‌ها و تفاوت‌های زبانی آنها، کوتاه ایده‌ام
را بیان می‌کنم.

- تغییر دوره‌ها را تدریجی می‌بینم. تندتر از سال‌های پیشین شتاب
گرفته است. شتابی که برخاسته از دگرگونی نهادین جامعه جهانی
است. تغییرات بنیادین نظام‌های جهانی در ۲۰ ساله اخیر خواسته یا
ناخواسته منظر نوینی را برای جامعه جهانی به همراه داشته است.
پیش‌تر شاهد دو قطبی بودن قدرت در نظام حکومتی جهان بودیم،

پویا آریان‌پور

متولد ۱۳۵۰



پویا آریان‌پور
طالع
۱۳۸۶
Pooya Arianpour
2007

قدرتی که برخاسته از نوع اعتقادات، سیاست را جهت می‌داد. بعدتر یکی از آن دو قدرت فروپاشید و سیاست اجرایی آن نیز در عرصه بین‌المللی کم‌رنگ‌تر شد و آنچه ماند، اعتقادی در میان که شاید روزی دیگر، جوری دیگر می‌بایست ... در هر حال دیدیم بسیاری روشنفکران که در نقد اندیشه سرمایه‌داری و ستیز با برده‌داری نوین راه را، آرزو را، در حفظ آرمان‌های سوسیالیسم می‌دیدند، بعد از فروپاشی شوروی خود را گم شده دیدند و ریسمان اتصال را از دست دادند و در میان دریایی پرتلاطم یا غرق شدند یا به هر سو رانده شدند. کمتر کسی را دیدم که بر اصول خود معتقد ماند و راه گذشته در پیش گرفت.

علاوه بر دگرگونی‌های جهانی ما همزمان شاهد بحران‌های داخلی ایران نیز هستیم. انقلاب ۵۷، تغییرات ساختاری - اجتماعی و سیاسی مربوط به آن. آرمان‌های اولیه و تغییر شکل مسیر به نظام دینی، همگی نقش در شکل‌گیری آن نسل دارد. آنچه بیشتر شاهدیم نافرجامی ایده‌آل‌های نسل آن دوره است در نابودی بازی جهانی یا در عدم موفقیت فرضیه‌ها و خاستگاه‌های انقلابی.

به نظر می‌رسد در سال‌های اول بعد از انقلاب ما با جامعه پویا و امیدوار به آینده روبروئیم. روشنفکر، خود را در میان مردم فرض می‌کند و ایران جولانگاهی است برای تجلی گوناگونی ایده‌ها و پیدایش حزب‌ها. سال‌های بعدی این چنین نیست. ما از یک سو با ائتلاف روشنفکران دینی روبروئیم و از سوی دیگر با انهدام حزب‌های دیگر اندیش. طبیعتاً از یک دهه بعد از انقلاب ما با نظامی یک سویه روبروئیم که البته خاستگاه‌های چندگانه روشنفکران را در خود ندارد.

البته که هنر هر قومی نمودی است از فرآیند زندگی در آن. سیر هنر در ایران نیز همچون دیگر تحولات غیرمعمول و غیرقابل پیش‌بینی اجتماعی داخلی، همواره دستخوش هیجان و فاقد سیر تدریجی لازم بوده است.

پیش از ۵۷ ما نوعی فعالیت از هنرمندان را می‌بینیم که سعی در پیوند نشانه‌های سنتی و فرهنگی خود با زبان مدرنیستی دارند. تلاش قابل توجهی است در خلق هنری بومی - جهانی.

در سال‌های اول انقلاب طبیعتاً شاهد فرافکنی‌های هیجان‌زده هنرمندان بسیاری هستیم که دل به توده می‌دهند و هم‌زبان مردم می‌شوند. به نظر وقفه‌ای است ناخواسته در سیر تدریجی. چندی بعد باز شاهد جستجوهای کمال نیافته اولین هستیم.

هنرمند این دوره در ادامه مسیر اولیه، تمایل به جهانی شدن از خود نشان می‌دهد ولی این بار او سعی در فهم و اتصال به خواص درون مایه فرهنگی دارد. بیشتر از نسل پیشین به نقد فرهنگ گذشته خود می‌پردازد و داشته‌های افتخارآمیز یاد شده را با تردید و انتقاد نگاه می‌کند. در این زمان کم کم با یأس فلسفی و ناکامی در آرمان‌ها روبروئیم. مفاهیم هنر این دوره شکوه‌ای است از مرارت‌های برسرآمده. در این ایام بالغ‌ترش ایدئولوژیک روشنفکران بسیاری در میدان‌های ناآشنا روبروئیم.

همانطور که در اول آمد پیداست روشنفکر، هنرمند ما در چه فضایی می‌زیسته و چگونه به یکباره آرمان‌هایش را از دست رفته دانست و به دنبال معنا به هر سو، سرکشید.

شاید از سال ۷۷ به بعد انرژی بیشتری حاکی از امید و حیات را در جامعه می‌بینیم. آزادی نسبی فضای جامعه، همه‌گیر شدن شبکه جهانی اینترنت، امکانی برای نمود آزادیخواهی روشنفکران و فضایی برای تبلور اندیشه‌های جوان شد.

ما در ایران از آن سال‌ها به بعد بیشتر و بیشتر شاهد گستردگی اعتراض هنرمندان هستیم. زبان، از آن پس بیشتر غیر متعارف شد و تنوع رفتار هنرمندان در فرم‌های نوین اعجاب‌انگیز شد.

به نظر می‌آید در گذشته زبانی تغزلی، فاخر و کلی‌گو، مفاهیم و اصول را به نقد می‌کشید و این روزها بیشتر زبانی صریح، شجاع و فردی، نقد ایام می‌کند. ■